

شناسایی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

امین رضا بخشی چناری^۱
محمود گودرزی^۲
سید نصرالله سجادی^۳
مجید جلالی فراهانی^۴

 10.22034/SSYS.2022.963.1655

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴

هدف از این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. فرآیند پژوهش شامل دو مرحله بود: مرحله اول پژوهش شامل تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناسی - با استفاده از ابزار مصاحبه با اساتید دانشگاه و نخبگان و مطالعه مقالات، کتب، اسناد و مدارک؛ مرحله دوم پژوهش شامل تحقیق کمی از نوع توصیفی - تحلیلی - با استفاده از دو مرحله روش دلفی و AHP. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل کلیه مدیران و متخصصان صاحب‌نظر در موضوع دیپلماسی ورزشی بود و از آنجا که در روش‌های کیفی، تعداد نمونه‌ها از قبل تعیین نمی‌شود، در نتیجه تا جایی که نسبت به موضوع تحقیق اشباع نظری حاصل شد، مصاحبه ادامه یافت. در این مرحله از دو روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد.

۱- دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Aminchenari@gmail.com

۲- استاد، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- استاد، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴- دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

در بخش کمی و در بخش دلفی نیز جامعه آماری پژوهش شامل ۲۰ نفر از اساتید نخبه دانشگاهی متخصص در حوزه مدیریت ورزشی، علوم سیاسی و مدیریت راهبردی بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند. در بخش AHP نیز جامعه آماری تلفیقی از نخبگان در بخش مصاحبه و اساتید دانشگاهی آگاه به موضوع در بخش دلفی بود که به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند. روایی ابزار در بخش کمی مورد تایید ۵ نفر از متخصصان و اساتید خبره بود و در بخش کیفی نیز نتایج به‌دست آمده از مصاحبه در اختیار مصاحبه شونده‌ها قرار گرفت تا درباره صحت آن‌ها اظهارنظر کنند. پایایی در بخش کیفی نیز از طریق توافق درون موضوعی کدهای استخراجی مورد تایید قرار گرفت.

نتایج پژوهش نشان داد که بی‌توجهی وزارت ورزش و جوانان و وزارت امور خارجه به مسائل بین‌المللی ورزشی، موانع ایدئولوژیکی و تعارضات برخی ارزش‌های جمهوری اسلامی با قواعد و هنجارهای حاکم بر ورزش جهان و نبود سیاست‌گذاری و برنامه‌های فاقد رویکرد دیپلماسی ورزشی، به‌ترتیب از مهم‌ترین موانع پیش‌روی توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. پیشنهاد می‌شود که دستگاه دیپلماسی و دستگاه ورزش به‌عنوان متولیان اصلی این حوزه به تنظیم آیین‌نامه‌ای که روابط بین‌المللی ورزشی را تعریف و پشتیبانی کند، مبادرت ورزند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی ورزشی، سیاست خارجی و موانع توسعه.

مقدمه

امروزه افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود و کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند. به عبارت دیگر، در دیپلماسی عمومی مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهند و در این زمینه از ابزارهای مختلفی مانند تبلیغات رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و... استفاده می‌شود. در واقع دولت‌ها سعی دارند با استفاده از دیپلماسی عمومی افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود با مشکلات کمتری مواجه شوند (شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۴). اگرچه ورزش - دیپلماسی در سال‌های اخیر به عنوان زیرشاخه دیپلماسی عمومی توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، تاریخچه این موضوع به قرن نهم پیش از میلاد باز می‌گردد؛ طی اولین جشنواره بازی‌های المپیک باستان یک «آتش‌بس المپیک»^۱ توسط پادشاهان آن زمان امضا شد. آنها توافق کردند تا تمام رفتارهای خشن و دشمنانه را طی زمان برگزاری بازی به حالت تعلیق درآورند تا موجبات خشنودی تماشاگران و ورزشکاران این بازی را فراهم کنند. قرن‌ها پس از آن، امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند تا از این طریق افراد مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند (دوستی، ۱۳۹۱). ظهور مفهوم دیپلماسی ورزشی در عرصه مناسبات بین‌المللی این پرسش را مطرح کرده است که دیپلماسی ورزش چیست و چه نقشی در روابط خارجی کشورها و اعمال قدرت آن‌ها ایفا می‌کند. امروزه متخصصان علوم ورزشی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به این نتیجه رسیده‌اند که بدون تردید یکی از حوزه‌های موضوعی مهم در زمینه ورزش و نقش آن در روابط بین‌الملل، دیپلماسی ورزشی است. دیپلماسی ورزشی را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر، یعنی دیپلماسی عمومی و فرهنگی قرار داد که در دو دهه اخیر رواج بیشتری یافته است (مورای و پیگمن، ۲۰۱۴). در عصر جهانی شدن، تاثیر عناصر فرهنگی بر روابط بین دولت‌ها بسیار افزایش یافته تا جایی که مبادلات فرهنگی در مقیاس جهانی با سهولت بیشتری انجام می‌شود و موانع چندانی پیش‌روی آن وجود ندارد. بنابراین دیپلماسی عمومی و فرهنگی به طور اعم و دیپلماسی ورزشی به طور اخص توجهات بیشتری را به سمت خود جلب کرده است (زرگر، ۱۳۹۴). به‌طور کلی، می‌توان گفت ارتباط بین دیپلماسی و ورزش متقابل است؛ هم دیپلماسی در مدیریت ورزشی، برگزاری مسابقات جهانی، کسب میزبانی، شرکت در مسابقات و... تاثیرگذار است و هم ورزش در پیشبرد دیپلماسی کشورهای مختلف از طریق ورزش، با شرکت کردن یا نکردن کشورها در مسابقات ورزشی (مانند تحریم المپیک) یا مسابقه دادن یا اجتناب از رقابت با ورزشکاران کشورهای دیگر برخی خواسته‌های سیاسی خود را به نمایش در می‌آورند (لورمور، ۲۰۱۲).

در زمینه دیپلماسی ورزشی تاکنون پژوهش‌های متنوعی در داخل و خارج کشور انجام شده است. بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «شناسایی عوامل موثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که وزارت ورزش و جوانان با همکاری وزارت امور خارجه به برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تعیین هدف در حوزه دیپلماسی ورزشی، تعاملات آکادمیک با سازمان‌های ذی‌ربط و افزایش فعالیت‌های دانشگاه‌ها به توسعه

فعالیت‌های دیپلماسی در حوزه ورزش بپردازند (بخشی‌چناری و همکاران، ۱۳۹۸). بخشی‌چناری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی دیگر با عنوان «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه دست یافتند که بازبینی و بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی (وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و...)، برگزاری جلسات هماهنگی بین وزارت ورزش و وزارت خارجه به عنوان متولیان اصلی دیپلماسی ورزشی، آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، از جمله راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران است (بخشی‌چناری و همکاران، ۱۳۹۸). راسخ و جوادی‌پور (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «نقش ورزش و توسعه ورزشی در پیش‌برد سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران»، چالش‌ها و ضعف‌های مختلف شامل نبود خط‌مشی‌های روشن و شفاف، فقدان آگاهی و دانش لازم در این زمینه و عدم شناخت از ظرفیت‌های بالقوه دیپلماسی فرهنگی ورزشی را بیان نمودند و پیشنهادات و اقداماتی را در زمینه رفع موانع برای تحقق اهداف دیپلماسی ورزشی ارائه کردند (راسخ و جوادی‌پور، ۱۳۹۶). مین و چوی^۱ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «نقش بیش از اندازه دیپلماسی ورزشی در همکاری‌های دوجانبه بین دو کره» به این نتیجه رسیدند که استفاده از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک بین کشورهای کره شمالی و کره جنوبی در حال گسترش است و دیپلماسی ورزشی بیشتر به عاملی برای توسعه همکاری‌های سیاسی شبیه بوده است که باعث برطرف شدن موانع سیاسی به این دو کشور شده است. فولرتون و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تبدیل شدن دیپلماسی ورزشی به خروجی‌های دیپلماتیک» با ارائه یک مدل دیپلماسی ورزشی به این نتیجه دست یافتند که اگر منابع دیپلماسی ورزشی هدفمند، خلاقانه و صحیح انتخاب شوند و این منابع متناسب با راهبردهای سیاسی هر کشور (ایالت) باشد، خروجی‌های آن می‌تواند هم‌راستای خروجی‌های دیپلماتیک مدنظر اهداف سیاسی هر کشور باشد (فولرتون و همکاران، ۲۰۱۸). دسن اجینو و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، در تحقیق خود به بررسی اقدام تور صلح باشگاه بارسلونا در سال ۲۰۱۳ در اسرائیل و فلسطین پرداختند. در این تحقیق علاوه بر پرداختن به ماهیت اقدام باشگاه بارسلونا در حوزه دیپلماسی ورزشی، به این نتیجه رسیدند که در این طرح مشکلات سیاسی به علت جغرافیای سیاسی خاورمیانه پیش آمده‌اند و می‌توان آنها را موانع و محدودیت‌های دیپلماسی ورزشی قلمداد کرد (دسن اجینو و همکاران، ۲۰۱۵).

مروور تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که با وجود استفاده صحیح کشورهای مختلف از دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی خود، متأسفانه در کشور ما موانع متعددی وجود دارد که مانع به‌کارگیری این دیپلماسی قدرتمند در دستگاه‌های ذی‌ربط می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه دیپلماسی ورزشی در داخل کشور که سالیان متمادی در پست‌های مختلف مدیریتی حضور پررنگ داشته‌اند معتقدند که افرادی که در راس فدراسیون‌ها و سایر نهادهای ورزشی کشور حضور دارند، بعضاً آگاهی لازم را در مورد روابط بین‌المللی ندارند و همین امر باعث می‌شود تصمیماتی در وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و یا فدراسیون‌ها گرفته شود که با مسائل بین‌المللی مغایرت دارد. همچنین

1. Min & Choi
2. Fullerton et al.
3. De San Eugenio et al.

ایراداتی که در اساسنامه برخی فدراسیون‌های ورزشی مانند فوتبال، کشتی، قایقرانی و... وجود داشت و منجر به تعلیق یا خطر تعلیق این فدراسیون‌ها شده بود، بیش از آن که باعث شود این نهادهای ورزشی به عنوان ابزاری برای توسعه تعاملات جمهوری اسلامی ایران ایفای نقش کنند، به ابزاری برای منزوی شدن تبدیل شده بودند (بخشی‌چناری، ۱۳۹۷). با توجه به مطالب یاد شده و با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری تاثیرگذار در توسعه تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین به لحاظ حکومتی به عنوان یگانه حکومت مردم‌سالاری دینی در جهان، از حیث استقلال سیاسی می‌درخشد و این موضوع که حکایت از عدم تعهد واقعی به قدرت‌های بیگانه دارد، موقعیت ایران را در منطقه و جهان حائز اهمیت روزافزون نموده است (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۴). بی‌شک، ایران در تاریخ دیپلماسی طولانی خود با مشکلات زیادی رو به رو بوده است. در دوره پس از انقلاب به‌ویژه در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران به تحریک، آشوبگری، خرابکاری، گروگان‌گیری و تروریسم از طرف غرب متهم می‌شد.

در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب نیز تحریم‌های یک جانبه و خصمانه آمریکا و اسرائیل و تنظیم لایحه‌ای برای تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ملت ایران، اهمیت دیپلماسی را بیش از پیش آشکار می‌کند (پوستین‌چی و محسنی‌فرد، ۱۳۹۲). حال با توجه به مطالب فوق و با توجه به نقش پُررنگ و بی‌بدیل دیپلماسی ورزشی، از یک سو و نقش کلیدی کشورمان در منطقه و جهان، از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از ورزش به عنوان ابزاری به نسبت کم هزینه‌تر و در عین حال جذاب‌تر در تحقق اهداف و منافع سیاسی خود استفاده نماید. لذا با توجه به کمبود پژوهش‌های مرتبط در این زمینه در داخل کشور، پژوهش حاضر سعی دارد به شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیش‌روی توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی کشورمان در عرصه بین‌المللی بپردازد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های میدانی بود. با توجه به موضوع پژوهش، روش تحقیق آمیخته یا ترکیبی^۱ و از نوع اکتشافی متوالی^۲ است که در آن ابتدا از روش کیفی و سپس از روش کمی استفاده می‌شود. جامعه آماری پژوهش را کلیه مدیران و متخصصان صاحب‌نظر و آگاه در زمینه موضوع دیپلماسی ورزشی - دارای کتب و مقالات متعدد در این حوزه - مدیران سیاسی که در عرصه ورزش فعالیت داشتند و نخبگانی که مسئولیت اجرایی در ورزش داشتند، تشکیل می‌دادند. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۲ نفر از اساتید دانشگاهی، ۶ نفر در رشته مدیریت ورزشی (سابقه ریاست در چند فدراسیون داشته‌اند)، ۴ نفر از اساتید رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و ۲ نفر در رشته مدیریت راهبردی بودند. از مجموع ۴ نفر از مدیران عالی سیاسی - ورزشی، ۲ نفر از مدیران عالی‌رتبه وزارت ورزش و جوانان در سطح وزیر و معاون ورزش قهرمانی دولت یازدهم، ۱ نفر سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران و از مدیران ارشد وزارت امور خارجه در دولت هفتم و ۱ نفر نماینده سابق مجلس و عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی بودند. از آنجا که در روش‌های کیفی، تعداد نمونه‌ها از قبل تعیین نمی‌شود، در نتیجه مصاحبه‌ها تا جایی که نسبت به موضوع تحقیق اشباع نظری حاصل شد، ادامه یافت. در مرحله مصاحبه از دو روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد.

1. Mixed Method

2. Sequential Exploratory

بر همین اساس، با ۱۶ نفر از افراد متخصص، تعداد ۲۲ مصاحبه - برخی از افراد بیش از یک بار مورد مصاحبه قرار گرفتند - انجام شد. جامعه آماری در بخش کمی نیز بدین صورت بود که با درخواست از طریق ایمیل از ۴۰ استاد دانشگاهی که در حوزه مدیریت ورزشی، مدیریت راهبردی و علوم سیاسی تخصص داشتند، خواسته شد تا در گروه دلفی پژوهش مشارکت داشته باشند که از این تعداد، ۲۰ استاد دانشگاه که بعضی از آن‌ها سمت‌های عالی اجرایی در ورزش داشتند در گروه دلفی در دو مرحله مشارکت کردند. روش نمونه‌گیری در بخش دلفی غیراحتمالی بود. در نهایت در بخش AHP نیز جامعه آماری تلفیقی از خبرگان و متخصصان در بخش مصاحبه و اساتید دانشگاهی آگاه به موضوع در بخش دلفی بودند که به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند. از ۳۶ پرسشنامه ارسالی، تعداد ۳۵ پرسشنامه AHP تکمیل و بازگردانده شد. به‌طور کلی این پژوهش طی یک فرآیند چهار مرحله‌ای به شرح زیر صورت گرفت:

مرحله اول: از طریق رجوع به اطلاعات موجود در پایگاه‌های اینترنتی، کتب، مجلات و نشریات مختلف به بررسی وضعیت موجود دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مروری بر مبانی نظری و پیشینه موضوع پرداخته شد.

مرحله دوم: با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و مفهومی - هدف از این نوع مصاحبه، توضیح و تشریح مفهومی یک پدیده یا موضوع است و مصاحبه‌گر قصد دارد ساختار مفهومی مفاهیم را در رابطه با یک پدیده تشریح نماید - با کلیه مدیران و متخصصان صاحب‌نظر و آگاه در زمینه موضوع دیپلماسی ورزشی به همراه خبرگان دانشگاهی، متغیرهای اصلی پژوهش شناسایی شد.

مرحله سوم: در زمینه بررسی ماهیت موضوع و ادبیات تحقیق، به نظر رسید که راه اساسی دست‌یابی به نتیجه صحیح و کاربردی، استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان در این زمینه است. در این راستا مدل دلفی به عنوان مدلی که می‌توانست با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نظرات کارشناسان، متغیرهای پژوهش را غربالگری کند مورد توجه و انتخاب پژوهشگران قرار گرفت. بنابراین به علت همپوشانی متغیرها با یکدیگر و برای تفکیک آنها و حذف متغیرهای غیرضروری - به طوری که هیچ متغیری ناخواسته حذف نشود - از روش دلفی قبل از به‌کارگیری روش AHP استفاده گردید.

مرحله چهارم: بعد از انجام روش دلفی در دو دور و غربال شدن متغیرهای فرعی مرتبط با متغیرهای اصلی، برای وزن‌دهی و اولویت‌بندی موانع پیش‌روی توسعه دیپلماسی ورزشی از روش AHP استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

توصیف تحلیلی نمونه پژوهش شامل ۱۶ نفر از اساتید دانشگاه رشته‌های مرتبط و همچنین مدیران عالی‌رتبه سیاسی - ورزشی کشور در جدول زیر به تفکیک آمده است:

جدول ۱. توصیف نمونه‌های پژوهش

توضیحات	تعداد	سمت صاحب‌نظران
رشته‌های: مدیریت ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مدیریت راهبردی	۱۲	اساتید دانشگاه
در سطح: وزیر و معاون وزیر دولت یازدهم، سفیر بازنشسته دولت هفتم، و عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس	۴	مدیران سیاسی - ورزشی

با پایان یافتن مصاحبه‌ها با اساتید و نخبگان دانشگاهی، مدیران عالی‌رتبه ورزش کشور، سفیران و مدیران سیاسی سابق جمهوری اسلامی ایران، تعداد ۱۲ متغیر شناسایی شد:

جدول ۲. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها در بخش شناسایی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

متغیرهای اصلی	تعداد متغیرها	متغیرهای فرعی مرتبط
شناسایی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی	۱۲	۱. بی‌تفاوتی و بی‌توجهی وزارت ورزش و وزارت خارجه نسبت به مسائل بین‌المللی ورزشی ۲. ایرادهای اساسی در اساسنامه فدراسیون‌ها و چرخه معیوب مدیریتی در سطح کلان ورزش ۳. تغییرات گسترده مدیریتی و جایجایی‌های ناشی از آن که در عرصه بین‌المللی اثرات منفی می‌گذارد ۴. موانع ایدئولوژیکی و تعارضات برخی ارزش‌های ج.ا.ا با قواعد و هنجارهای حاکم بر ورزش جهان ۵. تربیت نکردن نیروی انسانی متخصص در حوزه روابط بین‌الملل و ورزش ۶. عدم ثبات و برنامه‌ریزی بلندمدت در مدیریت سیاسی و مدیریت ورزشی کشور ۷. عدم آگاهی و شناخت لازم افراد در راس بعضی از فدراسیون‌ها و سایر نهادهای ورزشی در مورد روابط مهم بین‌المللی ۸. تصمیم‌گیری‌های سیاسی مغایر با مسائل بین‌المللی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌ها و وزارت امور خارجه ۹. نقص عمده در زبان ورزش بین‌المللی و عدم توانایی در انتقال ادبیات بین‌المللی ۱۰. نبود سیاست‌گذاری و برنامه‌های فاقد رویکرد دیپلماسی ورزشی برای ورود موفق به صحنه‌های بین‌المللی ورزشی ۱۱. تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده در امور بین‌المللی ورزش ۱۲. منفعل بودن دستگاه دیپلماسی در حوزه ورزش

۳۹

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با پایان مصاحبه‌ها، تعداد ۱۲ متغیر حول اهداف پژوهش شناسایی شد. بعد از پایان دور اول روش دلفی، تعداد متغیرهای شناسایی شده مرحله مصاحبه از ۱۲ متغیر به ۱۰ متغیر کاهش یافت. در این مرحله، متغیرهایی که ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان به آن‌ها جواب مثبت (بلی) دادند، در چرخه تحقیق باقی ماندند و متغیرهایی که کمتر از این مقدار پاسخ دریافت کردند، از چرخه حذف شدند. گفتنی است که در ذیل هر بخش از پرسشنامه‌های دلفی، پاسخ‌دهندگان در گروه دلفی می‌توانستند متغیرهای جدیدی که به نظر آن‌ها از قلم افتاده بود و می‌توانست در آن بخش وارد شود را پیشنهاد دهند که در این قسمت متغیر جدیدی شناسایی نشد. در نهایت بعد از پایان دور دوم روش دلفی و غربالگری نهایی، تعداد متغیرها همان ۱۰ متغیر باقی ماند. در ادامه به تفکیک نتایج نهایی حاصل از دور اول و دور دوم روش دلفی پرداخته شده است:

جدول ۳. نتایج نهایی حاصل از دور اول و دور دوم روش دلفی (تعداد پاسخ مثبت نخبگان)

موانع توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران	پاسخ مثبت
بی‌تفاوتی و بی‌توجهی وزارت ورزش و وزارت خارجه نسبت به مسائل بین‌المللی ورزشی از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟	۹۰ درصد

● شناسایی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۹۰ درصد	ایرادهای اساسی در اساسنامه فدراسیون‌ها و چرخه معیوب مدیریتی در سطح کلان ورزش از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۷۰ درصد	تغییرات گسترده مدیریتی و جایجایی‌های ناشی از آن در عرصه بین‌المللی و اثرات منفی ناشی از آن از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۹۰ درصد	موانع ایدئولوژیکی و تعارضات برخی ارزش‌های ج.ا.ا با قواعد و هنجارهای حاکم بر ورزش جهان از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۸۰ درصد	تربیت نکردن نیروی انسانی متخصص در حوزه روابط بین‌الملل و ورزش از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۴۵ درصد	عدم‌ثبات و برنامه‌ریزی بلندمدت در مدیریت سیاسی و مدیریت ورزشی کشور از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۸۰ درصد	عدم‌آگاهی و شناخت لازم افراد در راس بعضی از فدراسیون‌ها و سایر نهادهای ورزشی در مورد روابط مهم بین‌المللی از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۸۰ درصد	تصمیم‌گیری‌های سیاسی مغایر با مسائل بین‌المللی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌ها و وزارت امور خارجه از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۷۰ درصد	نقص عمده در زبان ورزش بین‌المللی و عدم توانایی در انتقال ادبیات بین‌المللی از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۹۰ درصد	نبود سیاست‌گذاری و برنامه‌های فاقد رویکرد دیپلماسی ورزشی برای ورود موفق به صحنه‌های بین‌المللی ورزشی از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۷۰ درصد	تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده در امور بین‌المللی ورزش از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟
۵۰ درصد	منفعل بودن دستگاه دیپلماسی در حوزه ورزش از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی ج.ا.ا می‌باشد؟

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، متغیرهای «عدم‌ثبات و برنامه‌ریزی بلندمدت در مدیریت سیاسی و مدیریت ورزشی کشور» و «منفعل بودن دستگاه دیپلماسی در حوزه ورزش» به دلیل اینکه پاسخ‌دهندگان به آن‌ها کمتر از ۶۰ درصد پاسخ مثبت دادند، در این مرحله حذف شدند. با توجه به اهداف پژوهش، ۱۰ متغیر باقیمانده پس از پایان دو دور دلفی به روش AHP اولویت‌بندی شدند. اما قبل از آن خبرگان مقایسه‌هایی را بین متغیرهای شناسایی شده انجام دادند و امتیاز آن‌ها را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند. این مقایسه‌ها بر اساس جدول ۹ کمیته انجام می‌شود. ارجحیت یک گزینه یا عامل نسبت به خودش مساوی با یک است. لذا اصل معکوس بودن یک عامل نسبت به دیگری و ارجحیت یک برای یک عامل یا گزینه نسبت به خودش، دو خاصیت اصلی ماتریس مقایسه‌ای دو به دویی در فرآیند AHP هستند. این ماتریس در جدول ۴ نشان داده شده است:

جدول ۴. ماتریس زوجی متغیرهای شناسایی شده

متغیرهای شناسایی شده	بی تفاوتی وزارت	ایراد در اساسنامه	تغییرات مدیریتی	موانع ایدئولوژیکی	عدم آگاهی و شناخت	تصمیم گیری سیاسی	نقص زبان	نبود سیاستگذاری	تعدد مراجع	عدم نیروی متخصص
بی تفاوتی وزارت	۱	۲/۵	۰/۳۳	۰/۴	۰/۵	۶/۲۵	۷/۶۹	۹/۰۸	۸/۳۳	۲
ایراد در اساسنامه	۰/۴	۱	۷/۱۴	۰/۲۸	۰/۳۳	۵/۵۵	۸/۳۳	۷/۶۹	۰/۱۴	۰/۶۶
تغییرات مدیریتی	۳	۰/۱۴	۱	۷/۹۳	۱/۱	۰/۸۶	۴/۴۷	۸/۴۸	۳	۰/۴
موانع ایدئولوژیکی	۲/۵	۳/۵۷	۰/۱۲	۱	۲	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۱۲	۵
عدم آگاهی و شناخت	۲	۳	۰/۸۸	۰/۵	۱	۹/۰۹	۰/۱۱	۰/۲۵	۴	۰/۵
تصمیم گیری سیاسی	۰/۱۶	۰/۱۸	۱/۱۶	۵/۵۵	۰/۱۱	۱	۰/۲۳	۴	۲/۵	۰/۱۵
نقص زبان	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۲۳	۹/۰۹	۹/۰۹	۴/۴۷	۱	۰/۱۶	۵	۳
نبود سیاست گذاری	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۱	۷/۱۴	۴	۰/۲۵	۶	۱	۳/۵۷	۰/۵۷
تعدد مراجع	۰/۱۲	۷/۱۴	۰/۳۳	۸/۳۳	۰/۲۵	۰/۴	۰/۲	۰/۲۸	۱	۰/۴
عدم نیروی متخصص	۰/۵	۱/۵	۲/۵	۰/۲	۲	۶/۶۶	۰/۳۳	۱/۷۵	۲/۵	۱

۴۱

پس از مشخص شدن ماتریس زوجی و مقایسه دوتایی متغیرهای شناسایی شده، اولویت بندی متغیرها بر اساس وزن نسبی محاسبه شد. برای محاسبه وزن نسبی از روش های مختلفی استفاده می شود. از میان این روش ها، بیشتر از روش بردار ویژه استفاده شده است، اما در صورتی که ابعاد ماتریس ها زیاد باشند محاسبه مقادیر و بردارهای ویژه طولانی و وقت گیر خواهد بود. به همین دلیل، پروفیسور ساعتی به ارائه چهار روش تقریبی زیر می پردازد: مجموع سطری، مجموع ستونی، میانگین حسابی و میانگین هندسی. در این پژوهش از روش میانگین هندسی استفاده شده است. در این روش برای محاسبه وزن نسبی گزینه، ابتدا میانگین هندسی سطریهای ماتریس معیار را به دست می آوریم و سپس آن ها را نرمال می نماییم. در ادامه وزن نسبی متغیرهای شناسایی شده براساس میانگین هندسی در جدول ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵: نتایج نهایی فرآیند تحلیل سلسله مراتبی AHP در بخش اولویت بندی موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

رتبه	وزن نسبی (براساس میانگین هندسی)	متغیرهای فرعی مرتبط	متغیر اصلی
۱	۰/۳۷۹	بی تفاوتی وزارت ورزش و وزارت خارجه نسبت به مسائل بین المللی ورزشی	بی تفاوتی وزارت ورزش و وزارت خارجه نسبت به مسائل بین المللی ورزشی
۲	۰/۳۴۳	موانع ایدئولوژیکی و تعارضات برخی ارزش های ج.ا.ا با هنجارهای حاکم بر ورزش جهان	موانع ایدئولوژیکی و تعارضات برخی ارزش های ج.ا.ا با هنجارهای حاکم بر ورزش جهان

۳	۰/۳۱۱	نبود سیاستگذاری و برنامه‌های فاقد رویکرد دیپلماسی ورزشی برای ورود موفق به صحنه‌های بین‌المللی ورزشی	اولویت‌بندی و وزن‌دهی موانع توسعه
۴	۰/۲۷۳	مسلط نبودن و نقص عمده در زبان ورزش بین‌المللی و عدم توانایی در انتقال ادبیات بین‌المللی	دیپلماسی ورزشی
۵	۰/۲۳	تربیت نکردن نیروی انسانی متخصص در حوزه روابط بین‌الملل و ورزش	
۶	۰/۲۱۹	تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده در امور بین‌المللی ورزش	
۷	۰/۲۰۲	ایرادهای اساسی در اساسنامه فدراسیون‌ها و چرخه معیوب مدیریتی در سطح کلان ورزش	
۸	۰/۱۷۲	عدم آگاهی افراد در راس فدراسیون‌ها در مورد روابط مهم بین‌المللی	
۹	۰/۱۵۶	تغییرات گسترده مدیریتی و جابجایی‌های ناشی از آن که در عرصه بین‌المللی اثرات منفی می‌گذارد	
۱۰	۰/۱۳۳	تصمیم‌گیری‌های سیاسی مغایر با مسائل بین‌المللی ورزشی در وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌ها و وزارت امور خارجه و...	

همان‌طور که در جدول فوق نشان داده شده است، متغیر «بی‌تفاوتی و بی‌توجهی بین وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی با وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط نسبت به مسائل بین‌المللی ورزشی» با وزن نسبی ۰/۳۷۹، مهم‌ترین مانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و متغیر «تصمیم‌گیری‌های سیاسی مغایر با مسائل بین‌المللی ورزشی» با وزن نسبی ۰/۱۳۳، کم‌اهمیت‌ترین مانع از موانع توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی کشورمان می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای امروز عواملی که برآیند آن‌ها در مجموع قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهد، با گذشته تفاوت بسیاری کرده است. باید گفت که اکنون، پیش از پیش بر نقش عوامل غیرمادی تشکیل دهنده قدرت تاکید می‌شود و قدرت، خصلتی نرم‌افزاری پیدا کرده است. بر همین اساس، دیپلماسی به معنای عام و دیپلماسی ورزشی به‌طور خاص از جایگاه مهمی در سیاست خارجی کشورها برخوردار شده است. در کشور ما نیز علیرغم وجود بسترهای مناسب برای عملکرد مطلوب دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران، عوامل بسیاری وجود دارند که این روند را با چالش مواجه ساخته‌اند که از مهم‌ترین موانع داخلی می‌توان به عدم شفافیت در نحوه اجرا و عملکرد دیپلماسی ورزشی در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ابهام قوانین در این حوزه اشاره کرد. دیپلماسی ورزشی به لحاظ قانونگذاری و نظارت، نقش و جایگاه مشخصی در دستگاه‌های رسمی کشور ندارد - در حالی که بخشی از سیاست خارجی است - و کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی مسائل آن

را پیگیری می‌کند که البته به دلیل نوع نگاه این کمیسیون به مسائل فرهنگی و تمرکز بیشتر بر روابط فرهنگی، اقدامات آن چندان در راستای مسائل ورزشی نبوده است. در اصل در حوزه دیپلماسی ورزشی، تعدد مراکز تصمیم‌گیرنده و ناهماهنگی میان این مراکز، بی‌تفاوتی دستگاه ورزش و دستگاه دیپلماسی نسبت به مسائل مهم این حوزه در کنار نبود نیروی انسانی متخصص و عدم ثبات مدیریت و... عملاً مانع اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های صحیح و برنامه‌ریزی‌های موثر است. در کنار موانع داخلی، موانع بیرونی نیز وجود دارند که شاید بتوان مهم‌ترین آن را نحوه عملکرد رقبا در حوزه فرهنگی و به‌طور ویژه در حوزه دیپلماسی ورزشی دانست - هر چند که در پژوهش حاضر، بیشتر موانع داخلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به‌طور کلی می‌توان گفت که نتایج این قسمت از پژوهش با یافته‌های مطالعات راسخ و جوادی‌پور (۱۳۹۶) و ارغوانی و اسمعیلی (۱۳۹۷) که به چالش‌ها و موانع دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه پرداخته بودند و همچنین نتایج پژوهش کویبرسکی^۱ (۲۰۱۷) که به دیپلماسی ورزشی در کشور نروژ پرداخته بود و ادعان داشت که یک دیپلماسی ورزشی قدرتمند می‌تواند با برداشتن موانع پیش‌رو نقشی تاثیرگذار در برند ملی و معرفی هویت ملی این کشور در جهان داشته باشد، همخوانی داشت. بنابراین در تفسیر این قسمت از نتایج پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که به‌منظور مفهوم‌شناسی و جایگاه دیپلماسی ورزشی در نهادهای ذی‌ربط باید ابتدا به تعریف مفهوم دیپلماسی به معنای عام (دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی) و سپس دیپلماسی ورزشی به عنوان یکی از اجزای مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان ادعان داشت که علیرغم وجود موانع و مشکلات در عرصه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان منکر فرصت‌ها و بسترهای فرهنگی مناسب در روابط ایران و کشورهای منطقه بود؛ به طوری که با اتخاذ سیاست‌های مناسب‌تر و رفع موانع داخلی در حوزه دیپلماسی ورزشی، هم می‌توان از فرصت‌های موجود بهره برد و هم به کاستن از اثرات چالش‌ها و موانع داخلی امید داشت. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، افزایش شناخت و آگاهی مدیران نسبت به مسائل بین‌المللی ورزش و تعیین مرجع مشخص تصمیم‌گیری در کنار توجه و علاقه‌مندی متولیان به رشته‌های ورزشی و جایگاه ورزش در کشورمان، دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دست‌اندرکاران حوزه سیاست و ورزش را ترغیب نماید تا با تشکیل شورای سیاست‌گذاری به طرح‌ریزی برنامه‌ای خاص و راهبردی با رویکرد دیپلماسی ورزشی در دستگاه وزارت خارجه اقدام نمایند. همچنین با برطرف کردن نقص زبان بین‌المللی (انگلیسی) برای برقراری ارتباط با جهان، هم از بی‌توجهی و منفعل بودن دیپلماسی ورزشی جلوگیری می‌شود و هم از آن به عنوان ابزاری برای توسعه تعاملات دیپلماتیک استفاده می‌گردد. دیگر یافته‌های تحقیق نشان داد که ایرادهای اساسی در اساسنامه فدراسیون‌ها، تصمیم‌گیری‌های سیاسی مغایر با مسائل بین‌المللی ورزشی، تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده در امور بین‌المللی ورزش و نبود سیاستگذاری مشخص در این حوزه، از دیگر موانع توسعه دیپلماسی ورزشی است که این قسمت از نتایج نیز با یافته‌های مطالعه دسن اجنیو و همکاران (۲۰۱۵)، بخشی‌چناری (۱۳۹۷) که در تحقیقی با عنوان «نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» علاوه بر پرداختن به نقش موثر این دیپلماسی در سیاست خارجی کشورمان، از نبود برنامه‌هایی با رویکرد دیپلماسی ورزشی در وزارت خارجه و وزارت ورزش به‌عنوان مانع و چالشی مهم در توسعه این دیپلماسی یاد می‌کند و نتایج پیمان‌فر (۱۳۹۵) که در تحقیقی با عنوان «راهبردها و

پیامدهای توسعه دیپلماسی ورزشی در جمهوری اسلامی ایران»، ضمن شناسایی راهبردها و پیامدها، سه مانع راهبردی زیر را در توسعه دیپلماسی ورزشی کشورمان معرفی می‌کند، همخوان بود:

- ۱- ذهنی: مانند برخی ترس‌های بی‌مورد در زمینه دیپلماسی ورزشی، مغایرت داشتن برخی ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران با ارزش‌های بین‌المللی و شکاف‌های قومی-مذهبی میان ایران و همسایگان؛
- ۲- رفتاری: مانند رویکرد انزواگرایانه، ضعف در شایسته‌سالاری و عدم ثبات مدیریت در سطح عالی ورزش کشور و موازی بودن مراجع تصمیم‌گیرنده در امور بین‌المللی ورزش؛
- ۳- ساختاری: مانند ساختار ورزشی محبوس دولتی و مالکیت سیاست بر ورزش (متاثر از ملاحظات سیاسی).

در تفسیر این قسمت از نتایج می‌توان اذعان داشت که در کنار به‌کارگیری مجاری و راه‌های دیپلماسی رسمی، باید به اهمیت بسیار زیاد دیپلماسی فرهنگی نیز توجه نمود و با برنامه‌ریزی حساب شده در حوزه‌های آموزشی، هنری، فرهنگی و ورزشی به ترویج ارزش‌های مطلوب کشور و در نهایت تامین منافع کشور اقدام کرد. به عبارت دیگر، تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می‌توان در عمق باورها و اعتقادات ملت‌ها رسوخ کرد و ائتلاف‌ها و اتحادیهایی پایدار را در نظام بین‌الملل بنیان نهاد. بنابراین با توجه به این دیدگاه، می‌توان گفت به‌کارگیری دیپلماسی ورزشی را نه تنها برای دستیابی به اهداف ورزشی و یا اهداف فرهنگی، بلکه برای نیل به اهدافی با ماهیت سیاسی، امنیتی و حتی نظامی نیز می‌توان تجویز کرد. لذا پیشنهاد می‌شود متولیان امر نسبت به منطبق بودن قوانین داخلی کشور و فدراسیون‌های جهانی مربوطه اقدام کنند تا از طریق فعالیت‌های بین‌المللی این نهادهای ورزشی گامی بلند در پیشبرد اهداف منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران برداشته شود.

به نظر بسیاری از متخصصان حوزه بین‌المللی ورزش جایگاه دیپلماسی ورزشی در دستگاه دیپلماسی کشور و سایر نهادهای ذی‌ربط به طور کامل شناخته نشده و از پتانسیل آن استفاده نگردیده است. بنابراین با تعامل و همکاری دو طرفه بین وزارت ورزش و جوانان با وزارت امور خارجه و همچنین تشکیل جلسات آموزشی و پژوهشی برای مدیران ارشد این حوزه-مانند روسای کمیته‌های امور بین‌المللی فدراسیون‌ها و...- می‌توان از پتانسیل وزارتخانه‌های ذی‌ربط و حتی سفارتخانه‌ها-به‌ویژه سفارتخانه‌هایی که در کشورهای محل سازمان‌های بین‌المللی ورزشی قرار دارند- در حوزه دیپلماسی ورزشی برای رسیدن به اهداف بین‌المللی استفاده کرد و به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از بن‌بست‌ها و بحران‌های سیاسی و شرایط حساس دیپلماتیک جهان امروز از آن بهره جست.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که دستگاه دیپلماسی و دستگاه ورزش به‌عنوان متولیان اصلی این حوزه به تنظیم آیین‌نامه‌ای که روابط بین‌المللی ورزشی را تعریف و پشتیبانی می‌کند، مبادرت ورزند. ارائه خط‌مشی شفاف و روشن از نحوه اجرای دیپلماسی ورزشی در کنار تزریق دانش و آگاهی به مدیران نهادهای ذی‌ربط برای ابهام‌زدایی در قوانین این دیپلماسی ضروری به‌نظر می‌رسد.

همچنین تجربه کشورهای موفق نشان داده که برای جلوگیری از موازی‌کاری‌ها، تشکیل یک ستاد مرکزی-متشکل از متخصصان علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و علوم ورزشی، مدیریت راهبردی و...- در قالب ساختار وزارت خارجه که عهده‌دار سیاست‌گذاری، تنظیم دستورالعمل‌ها و هدایت برنامه‌های دیپلماسی ورزشی باشد، امری اجتناب‌ناپذیر است.

منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و اسمعیلی، محدثه. (۱۳۹۷). «چالش‌ها و موانع دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه». مجلس و راهبرد. سال ۲۶، شماره ۹۷، صص ۷۱-۱۰۵.
- الهی، علیرضا؛ حمیدی، مهرزاد و پیمان‌فر، محمدحسن. (۱۳۹۱). «رتبه‌بندی موانع پیاده‌سازی موثر راهبردها در نظام ورزش کشور بر اساس فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)». پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۳ (۶)، صص ۷۸-۹۵.
- بخشی‌جناری، امین‌رضا. (۱۳۹۷). «نقش دیپلماسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». رساله دکتری، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- بخشی‌جناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سیدنصرالله و جلالی‌فراهانی، مجید. (۱۳۹۸). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر توسعه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». مدیریت و توسعه ورزش. دانشگاه گیلان. DOI: 10.22124/jsmd.2019.12744.1983.
- بخشی‌جناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سیدنصرالله. جلالی‌فراهانی، مجید. (۱۳۹۸). «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». نشریه مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. ۶ (۲۳)، صص ۱۵-۲۲.
- پوستین‌چی، زهره و محسنی‌فرد، فرزانه. (۱۳۹۲). «تحریم‌های اقتصادی به منزله ابزار دیپلماسی اجبار در سیاست بین‌الملل». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۶ (۲۲)، صص ۱۳۷-۱۷۱.
- پیمان‌فر، محمدحسن. (۱۳۹۵). «تدوین الگوی راهبردی توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران». رساله دکتری، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی.
- دوستی، مرتضی. (۱۳۹۱). «تبیین و تحلیل علل و پیامدهای ورود سیاسیون به ورزش ایران». رساله دکتری، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- راسخ، نازنین و جوادی‌پور، محمد. (۱۳۹۶). «نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۴ (۹)، صص ۵۹۹-۸۰۴.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و گودرزی، محمود. (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا». فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی. ۲ (۱۱)، صص ۹۵-۱۲۷.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۴). «طراحی و مدل‌سازی مولفه‌های شکل‌دهنده دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل». رساله دکتری، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- زرگر، افشین. (۱۳۹۴). «ورزش و رابطه بین‌الملل: جنبه‌های مفهومی تئوریک». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۱۱ (۳۱)، صص ۷-۴۸.
- Anastasovski, I. Stojanoska, T. Qazimi, A. (2013). "Sport as substitute for diplomatic activities". PESH, 2(1): 79-82.

- Cha, V. (2013). **“The Asian games and diplomacy in Asia: Korea-China- Russia”**. International journal of the History or sport, 30(10): 1176- 1187.
- De San Eugenio, J. Ginesta, X. Xifra, J. (2015). **“Peace, sport diplomacy and corporate social responsibility: a case study of football club Barcelona peace tour 2013”**. Soccer & society, DOI: 10.1080/14660970.1-14.
- Fullerton, J. Abdi, K. Talebpour, M. Ranjhesh, M. Nooghabi, H. (2018). **“Converting sports diplomacy to diplomatic outcomes: introducing a sport diplomacy model; Article resue guideline”**. International area studies review, 21(4): 365-381.
- Kobireski, M.M. (2017). **“Sport diplomacy of Norway”**. International studies. Interdisciplinary and cultural journal, 20 (1), 131-146.
- Levermore, R. Beacom, A. (2012). **“Reassessing sport for development: moving beyond mapping the territory”**. International journal of sport policy and politics, 4(13): 125-137.
- Marlene A. Dixon., Arden J. Anderson, Robert E. Baker, Pamela Hudson Baker, Craig Esherick. (2019). **“Management in sport for development: examining the structure and processes of a sport diplomacy initiative”**. International Journal of Sport Management and Marketing (IJSMM), 19 (4): 268-292.
- Murray, S., Pigman, G. A. (2014). **“Mapping the relationship between international sport and diplomacy”**. Sport in Society, 17(9):1098-1118.
- Min, D., Choi, Y. (2019). **“Sport cooperation in divided Korea: an overstated role of sport diplomacy in South Korea”**. Sport in Society, 22(8): 1382-1395
- Pigman, G.A. (2014). **“International sport and diplomacy public dimension governments, sporting federation and the global audience”**. Diplomacy & statecraft, 5(21): 94-114.